



28 دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش یکصد و ششم)

نگاهی به شورای ملی از دوره دوم تا ششم:

وقتی محمد نادرشاه به سلطنت رسید، اولین کارش اعلام خط مشی حکومت در ده فقره بود. در فقره نهم آن به تشکیل شورای ملی اشاره شده بود که برطبق آن با صدور فرمان شاهی بتاريخ 16 سنبله 1309 (سپتمبر 1930) لویه جرگه را در کابل دعوت کرد. جرگه تحت ریاست محمدهاشم خان صدراعظم مدت ده روز ادامه یافت و ضمن تصویب چند موضوع دیگر به تعداد 110 نفر را از بین خود به مثابه اعضای اولین شورای ملی انتخاب نمود. شورا اولین اجلاس خود را بتاريخ 14 سرطان 1310 دائرنمود تا مسوده قانون اساسی جدید را تدوین نماید. در ماه میزان مجلس اعیان با عضویت 27 نفر شخصیت های انتصابی از طرف شاه به میان آمد. بتاريخ 24 عقرب هر دو مجلس به شمول 38 نفر دیگر در قصر دلکش مسوده مرتبه قانون اساسی جدید را تحت عنوان "اصول اساسی دولت علیه افغانستان" تصویب نمودند که بعد از توشیح شاه به تاریخ 9 میزان 1310 نافذ اعلام شد و قانون اساسی امانی "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" ملغی گردید، قانون اساسی جدید تا سال 1343 (1964) نافذ و پایرجا ماند. در این قانون اساسی از ماده 27 تا ماده 66 به امور مربوط به شورای ملی اختصاص دارد که تحت عناوین فرعی از جمله تشکیلات، قسمنامه [تحلیف]، وظایف و چگونگی اتخاذ تصمیم و تصاویر درج گردیده است.

نکته بسیار مهم و حساس به حیث یک "رمز پوشیده" در ماده 10 این قانون اساسی مطلبی است که این عبارت که: «کافه تبعه کشور در امور دینی و مذهبی و اصولات سیاسی دولت متبوعه خود مکلف و مقید بوده، آزادی حقوق مشروع خود را مالک هستند».

در این ماده اگر صرف "اصولات دولت" ذکر میشود، مقصد واضحاً اطاعت قوانین بود، اما مقید بودن به "اصولات سیاسی دولت" در حقیقت سلب تمام آزادیهای سیاسی افراد را به شمول آزادی بیان و مطبوعات معنی میدهد که هر آنچه دولت بخواهد زیر نام اصولات سیاسی میتواند مورد اجراء قرار دهد و هیچکس حق ابراز مخالفت را در مورد اجراءات حکومت ندارد. همین قید به "اصولات سیاسی دولت" شامل حال شوری و وکلای آن بود که وکلای شوری حق نداشتند درباره اصولات سیاسی دولت صحبت نمایند. این وضع از دوره اول تا دوره هفتم مطلقاً حاکم بود و امر به همان شیوه به پیش برده می شد، اما در دوره هفتم این قید تاحدی از هم گسست و وکلاء زبان به اعتراض و ابراز نظر آزاد گشودند.

درباره جریانات مختصر شورای ملی کتابی تحت عنوان "آیین شوری" در دو جلد، تألیف محمد محسن صابر هروی در سال 1386 از طرف ریاست اطلاعات و ارتباط عامه ولسی جرگه (جمعاً بیش از 620 صفحه) به نشر رسیده است که میتوان آنرا یک مأخذ مستند و قابل اعتبار در زمینه محسوب

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

کرد. در این کتاب مطالبی درباره شورای دوره اول نگاشته شده که یک نمونه ای مثل برای شش دوره بعدی نیز محسوب میشود. اگرچه متن مکمل این نوشته در مباحث قبلی گنجانیده شده است، اما بيمورد نخواهد بود برای تداعی خاطر و درک ماهیت شورای ملی بخصوص تا دوره هفتم به بعضی خصوصیات شورای ملی که از دوره اول تا پنجم تحت ریاست یک شخص یعنی عبدالاحدخان (مایار وردک) قرار داشت، مطالبی بعرض برسد:

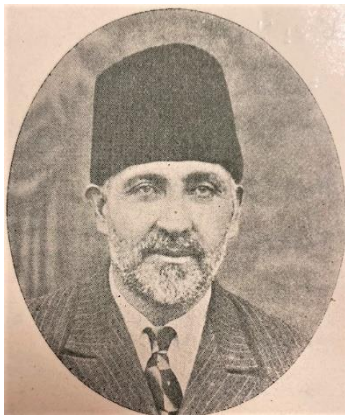
صابر هروی در کتاب "آئینه شوری" می نویسد: «در دوره اول شورای ملی که ظاهراً یک دوره نمایشی و فقط نام آن شورا بود، چون در باطن همه وکلا انتصابی و غیرانتخابی بودند و به حیات قانون گذاری بلدیّت نداشتند، فقط از اینکه در دستگاه حاکمه راه پیدا کرده و اعزاز و اکرام می شدند، خوشحال بودند و از دیگر وجایب و وظایفی که یک وکیل به تمام معنی در برابر مؤکلین و منطقه خود دارد، بی اطلاع بودند. در آن وقت به وکلا معاش، کرایه خانه اگر فامیل دار می بودند و سال دو دست دریشی (دریشی ها به شکل یونیفورم مخصوص شورا) توسط خیاط شورا مطابق به قد و اندام هر وکیل بهاری و زمستانی تدارک و توزیع میگردد و در موقع آمدن از اوطان خود و رفتن بسوی شهرها و مناطق خویش کرایه راه به وکلا پرداخته می شد و هر روز در موقع اجلاس به وکلا نان طبخ میگردد که این امتیاز در واقع به وکلای که حیثیت قانونی خود را نمی دانستند، می فهماند که هر موضوع را که حکومت به شورا میفرستد در آوای همان امتیازات باید پذیرفته شود. موضوع فقط یکبار از طرف منشی در مجلس قرائت می شد، کفایت میکرد. در موضوعات داخل اجندا که در مجلس مطرح میگردد، نظر وکلا عین نظر دولت و نظر دولت عین نظر وکلا بود.»

صابر هروی می افزاید: «در وقت حاضری صبح وکلا هر جا بودند دریشی متحدالشکل خود را پوشیده دسته دسته و یا انفرادی داخل سلامخانه ارگ شاهی می شدند و مرتب بالای چوکی های یکنفری که در دو سمت تالار سلامخانه مقابل یکدیگر چسپیده شده بودند، قرار میگرفتند و وقتی رئیس شواری ملی (عبدالاحد خان مایار وردک) و اعضای اداری (معاون و منشی ها و مخفف نویسان) داخل تالار می شدند، همه وکلا به پا خاسته تا وقتی رئیس به چوکی خود می نشست؛ به اجازه رئیس (مانند طلاب مکتب) دو باره می نشستند و صدای احدی بر نمی خاست، تنها حق حرف زدن را وقتی یک وکیل داشت که رئیس مجلس از او در موضوع مطرح شده چیزی می پرسید، آنهم مشروط به شروط و وقتی که معین میکرد. وکیل مانند یک معلم که درسش را بازگو میکند، از جای خود برخاسته و پس از تعظیم و احترام رئیس را مخاطب قرار میداد و چند کلمه مختصر (بی ربط) میدانست که به اصل موضوع خیلی هم ارتباط نداشت، بی پیرایه و عامیانه می گفت و به اجازه رئیس پس بجای خود می نشست و همینطور در موضوع چند نفر معدودی که موضوع وقتاً به آنها نظر به اعتمادی که رئیس و هیئت اداری به آنها داشتند، دیکته شده بود مطابق به آرزو و تمنیات حکومت و رئیس مجلس سخنرانی میکرد و وکیل صحبت کننده افتخار داشت که در موضوع روزمره داخل اجندای مجلس نوبت سخنرانی بیشتر به او داده می شد و او خود را عالم تر از وکلای دیگر می شمرد، به فهم و دانائی نطق و بیان و علمیتش ولو جز همان چند کلمه دیکته شده را نمیدانست، ارج می گذاشتند و او را احترام میکردند.»

«منشیان مجلس حیثیت سرجماعت (کفتان) صنوف مکتب را داشتند، هرگاه یک وکیل در جریان مجلس می خندید و یا با دیگری آهسته صحبت میکرد، نامش را منشیان می نوشتند و به رئیس می سپردند که بعد از ختم مجلس به وکیل موصوف اخطار میگردد. در وقت حضور در مجلس هیچ یک از وکلا حق بیرون شدن از تالار را نداشتند (ولو به قضای حاجت که یک امر طبیعی است). مطابق

ماده 44 وظایف داخلی وکلا حق کشیدن سگرت را درتالار نداشتند، ولی در هر قطار ازچوکی های که وکلا قرار میگرفتند، یک "تفدانی" برای نف کردن نصور موجود بود.»

در مورد تهیه مصوبات صابر هروی می افزاید: «تند نویس ها که بنام مخفف نویس یاد می شدند و کمی باسوادتر از وکلا بودند، مطالب را می نوشتند و با روحیه اصل مطلب گزارش کوتاهی تهیه و آنرا به چند پراگراف تقسیم و بنام هر وکیل مورد نظر که صحبت کرده بود، نسبت میدادند و منشی مجلس فوراً آنرا بشکل فیصله قطعی و رأی اکثریت می نوشت. همینکه صدای رئیس مجلس که در آنوقت مکروفون و بلندگو وجود نداشت، بلند می شد، چون فضای مجلس کاملاً ساکت و خموش بود، همه وکلا میداشتند که وقت رایگیری است، مثل کودکی که درسش را امتحان داده و منتظر زنگ تفریح و تعطیل است، بعد از اعلان رایگیری در موضوع دست خود را از شانه بالاتر کرده رأی قطعی خود را ابراز می نمودند. در اینوقت چون وکیلی پیدا نمی شد که مخالف باشد، زیرا مخالفت در موضوع مطروحه گناه نابخشودنی بود، پس از اعلام تصویب موضوع به اکثریت، جلسه را خاتمه میداد. در این فرصت بود که وکلا مانند متعلمین مکتب از تالار بیرون می پریدند و در برنده ها و روی چمن باغ سلامخانه به صحبت و مزاح پرداخته سپس دیوانه وار به اتاق نانخوری هجوم برده و در ظرف چند دقیقه نان خوردن ختم و پس از ادای نماز ظهر متفرق می شدند.» (صابر هروی؛ محمد محسن: "آیینة شوری"، جلد اول، چاپ کابل، 1368، صفحه 14 تا 16)



(عکس مقابل: عبدالاحد خان مایار وردک رئیس تام الاختیار پنج دوره شورای ملی)

در این دوره عبدالاحد خان (مایار وردک) وکیل شهرکابل به حیث رئیس انتخاب شد و تعداد وکلا به 114 نفر میرسید که دوره کاری شان برطبق قانون اساسی و "اصول انتخابات وکلای شورای ملی افغانستان" مصوبه لویه جرگه 1309 (در چهار فصل و جمعاً 29 ماده) برای سه سال تعیین گردیده بود. برطبق این اصول شخصیکه به حیث وکیل انتخاب می شد، باید سن او بین 30 تا 70 سال و "حتی الامکان دارای سواد" می بود و بصدافت و راستکاری شهرت میداشت. صابر هروی می نویسد: «البته بیشتر این کاندیدها قبلاً به استشاره حکومت معمولاً از بین ارباب ها، ملاکها و خوانین منتفذ انتخاب می شدند و حکومت بدینوسیله کوشش میکرد تا همچو اشخاص را از محل دور کرده و تحت نظر خود در کابل مصروف نگهدارد.»

نحوه و طرز انتخاب در هر حوزه انتخاباتی طبق اعلان قبلی کاندید یا کاندیدها حاضر و توسط اهالی آنجا گویا بطور "مستقیم و بلاواسطه" به اکثریت آراء توسط جرگه انتخاباتی که از دو روز قبل در حوزه مربوطه تجمع میکردند، انتخاب و یا به عبارت دیگر برگزیده می شد و در پایان جرگه کاتب محکمه شرعی صورت انتخاب را در سه نسخه حاضر کرده به امضای هیئت محکمه شرعی و حکومت محلی رسانیده و یک نسخه آنرا به حیث اعتبار نامه به وکیل منتخب داده و وکیل بعداً آنرا به هیئت اداری شورا به حیث سند وکالت خود در شورا ارائه میکرد. نا گفته نماند که این شیوه تا انفاذ قانون اساسی 1343 (1964) همچنان نافذ بود. به همین ترتیب وقتی دوره اول شورا شروع بکار کرد، اصول وظایف داخلی را در ماه عقرب 1310 در داخل 45 ماده تصویب نمود که به صحه پادشاه رسید و نافذ گردید. (دیده شود - مأخذ بالا، صفحه 53 تا 58 و نیز صفحه 68 تا 75)

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

قابل ذکر است که در همین دوره یکی از فعالان سیاسی مشهور به بابا عبدالعزیز که از جمله جوانان نهضت دوم مشروطیت بود و در زمان شاه امان الله غازی به حیث مدیر "طلوع افغان" در قندهار کار میکرد، در سال 1309 به حیث وکیل شهر قندهار به لویه جرگه و سپس به حیث وکیل آن شهر در دوره اول شورا انتخاب گردید. موصوف که شور در سر داشت به دلیل مخالفت با انتخاب عبدالاحد خان مایار بریاست شورا مورد غضب مقامات قرار گرفت و از عهده وکالت برکنار و مؤقتاً بیک وظیفه در وزارت خارجه تبدیل گردید و چندی نگذشته بود که موصوف مثل صداهای دیگر بدون جرم مشخص زندانی شد و مدت 13 سال را در زندان دهمزنگ گذرانید. (خالد صدیق: "برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان"، جلد دوم، صفحه 313 تا 317)



وکلاي ولايت کابل با يونيفورم مخصوص - طرف راست شخص ايستاده عبدالاحد خان مایار رئيس شورای ملی

در دوره دوم شورای ملی که بروز 18 سنبله 1313 آغاز یافت، و باز هم تعداد وکلا 114 نفر بودند و تعدادی از چهره های تازه و بعضاً باسوادها جای چند ارباب و ملاک و خان را گرفتند، اما شیوه کار تغییر نکرد و بار دیگر عبدالاحد خان ریاست آنرا بعهده گرفت. باید خاطر نشان ساخت که عبدالاحد خان اصلاً از وردک بود که به گفته صابر هروی: «از مرکز به اشاره حکومت سردار محمدهاشم خان خود را از کابل کاندید و چون شخص مدیر و طرف اعتماد شاه و صدراعظم بود، در پنج دوره ریاست شورا را در اختیار داشت.» (مأخذ بالا، صفحه 108)

نکته قابل توجه در این دوره برای بار اول مخالفت یکی از وکلا با ترکیب بودجه دولت بود، چنانچه صابر هروی می نویسد: «یکی از وکلا که نامش افشا نشد با بودجه دولت مخالفت علنی خود را به بعضی اقلام آن ابراز نمود که حیرت وکلا را سبب گردید و همه به ملامت و نکوهش او پرداختند و وکیل مذکور در جلسه بعدی از مخالفتی که در مورد کرده بود، شاید از طرف رئیس شورا یا مقام ضبط احوالات تهدید شده باشد، معذرت خواست و با این ترتیب به وکلای دیگر حکومت ثابت کرد که هر وکیل که به نظر و عقیده حکومت مخالفت کند، مانند وکیل مذکور تحت فشار و توییح قرار خواهد گرفت.» (مأخذ بالا، صفحه 91)

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

دوره سوم شوری که بروز 17 جوزای 1316 با نطق محمدظاهرشاه در عمارت سلامخانه ارگ شاهی افتتاح گردید و تا ماه ثور 1319 با 114 عضو بکار ادامه داد. این دوره از نظر اجراء تفاوت زیاد از دوره قبلی نداشت و اما باز هم چند وکیل باسواد در جمع وکلا زیاد شد و به این ترتیب فضای مخالفت در برابر دیکته موضوعات از جانب حکومت و رئیس مجلس یک کمی بازتر گردید، چنانچه صابر هروی در کتاب خود از برخورد دیگر یک وکیل در مورد بودجه یاد آور میشود که وکیل موصوف با سرسختی و لجابت بر برخی اقلام بودجه انتقاد کرد و برای اولین بار در موقع رأی دادن، علناً رأی مخالف داد که در نتیجه قراریکه بعداً افشا شد، رئیس شورا عبدالاحد خان به تحقیر و توهین او پرداخت و خواست او را به اصطلاح آن زمان شلاق بزند که با مداخله وکلای دیگر اینکار عملی نشد و وکیل مذکور بعداً وقتی دوره وکالتش به آخر رسید، به اتهام دست داشتن به یکی از مسایل سیاسی محبوس و مدتی در زندان بود.» (مأخذ بالا، صفحه 107 - 108)

دوره چهارم شورا که از ثور 1319 آغاز گردید، باز هم بریاست عبدالاحد خان مایار تا سال 1322 به عین شیوه فقط به حیث مهر رابری حکومت ایفای وظیفه کرد. در این دوره بار اول یک نماینده از طرف کوچی های ننگرهار در جمع اعضای شورا علاوه گردید و یونیفورم هیئت اداری با دیگر وکلا تغییر کرد به این شکل که هیئت اداری با دریشی، پیراهن سفید و نکتائی آراسته شد تا ظاهراً از سایر وکلا تفکیک شوند.

دوره پنجم از اول اسد سال 1322 تا عقرب 1324 ادامه یافت که باز هم برای پنجمین دوره ریاست آنرا عبدالاحد خان مایار بعهده داشت، تغییری قابل ملاحظه در راه و روش آن دیده نشد. دوره ششم شورا که از اواخر سال 1324 آغاز و تا اوایل 1327 دوره کاری آن به پایان میرسید، با تغییری مواجه شد و آنهم ریاست آن از عبدالاحد خان مایار به سلطان احمد خان وکیل کابل انتقال یافت و اینکار پس از تقریباً پانزده سال و پنج دوره یک تغییر مهم محسوب می شد، زیرا در آنوقت در اثربحران اقتصادی ناشی از جنگ و شدت عمل حکومت محمد هاشم خان از یکطرف و آرزومندی شمول افغانستان به عضویت ملل متحد ایجاب میکرد که ریسمان های تحکم در همه امور بخصوص در داخل شورا یک اندازه گسسته شوند. در این دوره بود که تغییر مهم به وقوع پیوست و دوره دوم حکومت سیزده ساله محمد هاشم خان (1312-1325) جایش را به حکومت جدید به صدارت شاه محمود خان غازی عم دیگر پادشاه و وزیر حربیه قبلی سپرد و در قبال تحولات وارده انتخابات دوره هفتم شورا نیز تحت تأثیر همین تحولات به گونه ای دیگر که قبلاً نظیر نداشت، براه انداخته شد.

به مقصد مقایسه دوره هفتم شورا با دوره های قبلی بيمورد نخواهد بود نگاهی به خصوصیات و دست آوردهای کاری دوره هفتم شورا انداخت و اما قبل از آن باید در مورد قانون اساسی 1310 خاطر نشان کرد که این قانون اساسی از نظر عبارات و متن برای خواننده نا آگاه از جریان عملی امور، یک قانون اساسی بسیار لیبرال و واجد حقوق اساسی مردم معلوم میشد و به همین دلیل بود که لزوم تعدیل مواد آن در طول بیش از 33 سال کمتر احساس گردید، اما در عمل صورت اجراءات دولت اکثر با روحیه و متن مندرج مواد این قانون اساسی و دیگر قوانین در مغایرت قرار داشت که مثالهای زیاد در زمینه موجود است. دوره هفتم شورای ملی کوشید به این رویه قبلی تاحدی پایان دهد و با استفاده از حق قانونی مندرج قانون اساسی تحولات مهم را رویدست گیرد.

یکی از مشخصات مهم دوره هفتم شورای ملی (ثور 1327 تا 1329) در دوره صدارت شاه محمود خان تحت ریاست عبدالهادی خان داوی آن بود که از یکطرف بنابر تصاویب دوره قبلی تعداد اعضای

شورای ملی از 114 به 171 نفر افزایش یافت و از طرف دیگر عده از وکلای جدید (به شمول میر غلام محمد غبار، داکتر محمودی، عبدالحی حبیبی، عبدالرؤف بینوا، مولوی خال محمد خسته، سخی امین، کریم نزیهی، نظر محمد نوا، سید محمد دهقان و چند نفر دیگر) با ملاحظه متن و صلاحیت های مندرجه این قانون اساسی که به شورا تفویض گردیده بود، خواستند بار اول از صلاحیت های قانونی خود جهت نظارت بر اعمال حکومت، بودجه دولت و معاهدات و مقاولات و موافقتنامه ها با دول خارجی بطور بی سابقه که تا آنوقت معمول نبود، استفاده نموده و آن موارد را بطور آزاد مطرح بحث ساخته و در زمینه تصامیم لازم اتخاذ نمایند. اگرچه در این موارد هنوز هم نقش وکلای طرفدار حکومت که اکثریت داشتند، به دفاع از حکومت می پرداختند، زیاد بود، اما مباحثات مخالفان و جدیت آنها موجب شد تا یک جریان جدید با بحث های گرم و استدلال منطقی در شورا به وجود آید که در حقیقت مبنای یک تحرک سیاسی جدید و آغاز یک دوره مشروطه خواهی واقعی محسوب میشد. دست آوردها و مصوبات این دوره چه در امور روابط خارجی کشور و قراردادهای و چه در اجراءات حکومت و چه در وضع قوانین و وارد کردن تعدیلات لازمه در آنها زیاد است و بحث پیرامون هریک در اینجا نمی گنجد، لذا به ذکر اهم مشخصات آن که با گذشته متفاوت بود، بسنده میشود، از اینقرار:



تصویری از جریان یک اجلاس شورای ملی دوره هفتم در سلامخانه ارگ سال 1328

1 - اگرچه در قانون اساسی نافذ آنوقت کسب رأی اعتماد حکومت از شورای ملی واضحاً تصریح نگردیده بود، ولی شورای ملی دوره هفتم به استناد ماده 76 قانون اساسی که حکم میکرد: «هریک وزراء در سیاست عمومی دولت مشترکاً و در امور مؤظفه وزارت متعلقه خود مخصوصاً نزد شورای ملی مسئول اند، بناءً علیه ذات شاهانه غیرمسئول میباشد»، حکومت شاه محمود خان را به گرفتن رأی اعتماد از شورا مکلف دانست و برای اولین بار در تاریخ کشور صدراعظم و اعضای کابینه جدید مشتمل بر 16 وزیر به شورای ملی جهت اخذ رأی اعتماد حضور بهم رسانیده و رأی اعتماد حاصل نمودند. شورا به تأسی از ماده فوق در موارد مختلف به استجواب و استیضاح از وزراء

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

نیز پرداخت که قبلاً چنین کاری معمول نبود. اگرچه با حضور تعداد بیشتر وکلای طرفدار حکومت موضوع استجواب و استيضاح محض روی شکلیات باقی ماند و کدام اقدام جدی در زمینه صورت نگرفت، اما اینکار سرآغاز یک اقدام مهم بود که قدرت انحصاری حکومت را تحت الشعاع قرار داد و اصل کنترل بر اجراءات حکومت را مطرح ساخت و به مردم فهماند که حکومت ها قدسیت ندارند و میتوانند مورد انتقاد قرار گیرند.

2 - تصویب "اصولنامه مطبوعات و نشرات" اولین اقدامی بود درطول دوره 20 ساله سلطنت که در جوار نشرات دولتی برای نشر جراید آزاد (غیردولتی) نیز زمینه مساعدگردید. در پرتو این تحول آزادی بیان نیز مجاز دانسته شد و در اثر آن جراید انتقادی از طرف بعضی جریانات سیاسی از جمله جریده "نداء خلق"، "وطن"، "ولس"، "انگار"، "نیلاب"، "آئینه" و بعضی دیگر شروع به نشرات کردند.

3 - برای بار اول شورای ملی به تشکیل یک تعداد کمیسیون های اختصاصی زیرنام انجمن ها پرداخت، از جمله: کمیسیون مالی و بودجه، کمیسیون تدقیق قوانین، کمیسیون صحیه، کمیسیون داخله و بلدیة، کمیسیون زراعت، کمیسیون معارف، کمیسیون مخابرات، کمیسیون سرحدات، کمیسیون امور خارجه، کمیسیون سمع شکایات و کمیسیون دفاع ملی. علاوهً انجمن رؤسای کمیسیونها برای انسجام امور بین کمیسیونها یکی دیگر از همچو تشکیلات بود. در این دوره با آنکه مثل سابق برای وکلا سال دو دست دریشی (یونیفورم) منظور شده بود، اما مکلفیت پوشیدن آن از بین رفت و هر وکیل میتواندست به میل خود لباس بپوشد.

4 - برطبق ماده 37 تشکیل مجلس شورای ملی مصوبه لویه جرگه 1309 وکلا درآغاز کار مکلف به ادای تحلیف به این عبارت بودند: «ما امضا کنندگان ذیل از جهت اعتمادی که ملت و حکومت بر ما نموده بخداوند عظیم و قرآن کریم سوگند می نمائیم برای ملت و حکومت خود صادق میباشیم.» غبار در این مورد می نویسد که: «هنگام ایفای رسم قَسَم که بصورت معمول آنوقت تعهد وفاداری به ملت و شاه و حکومت بود، روشنفکران از ذکر نام حکومت خودداری کرده و علی الرغم قاعده قدیم فقط سوگند وفاداری نسبت به مملکت و ملت برداشتند.» (غبار: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد دوم، صفحه 262)

5 - شورای دوره هفتم برای اولین بار به سامعین و علاقمندان اجازه داد در جلسات علنی شورا اشتراک و دریک محل معین اخذ موقع نمایند، به جریان مباحثات شورا گوش فرا دهند و از ابراز نظر وکلا آگاهی یابند. بدینوسیله زمینه انعکاس نظریات وکلا برای مردم از طریق جراید آزاد فراهم گردید.

6 - شورا زیرعنوان "مواد هفتگانه" موفق شد کار اجباری و بیگار را منع کند، اجبار فروش غله را به قیمت نازل به دولت از دوش زارع بردارد، اخذ مالیات مواشی شمارناشده، مالیات خارج قانون از جمله وضع مالیات بلدیة بر خرده فروشان و دست فروشان شهری را لغو کند و امور دیپوی تعاونی دولت را مورد تفتیش و نظارت قرار دهد.

7 - شورای دوره هفتم توانست تصامیم لازم در باره معاهدات جدید با دول خارجی، نحوه اخذ قرضه ها از مؤسسات و کشورهای خارج، بخصوص درمورد قرضه از منابع امریکائی جهت تمویل پروژه وادی هلمند و قرارداد با کمپنی مورپسن کنودسن و امور دیگر نظیر آنرا مورد مذاقه و غور جدی قرار دهد و آنرا با ملاحظات خاص به تصویب برساند که اینکار در دوره های قبلی شورا معمول نبود.

8 - شورا در این دوره موضوع عضویت افغانستان در مؤسسه ملل متحد و تعهد بر ایفای مکلفیت های مندرجه منشوران مؤسسه و اعلامیه حقوق بشر را مورد تصویب قرارداد و بر تعهدات دولت افغانستان در زمینه مهر مشروعیت گذاشت و برطبق آن عضویت کشور را در سازمانهای مختلف آن مؤسسه تأیید و تصویب نمود.

9 - موضوع روابط با پاکستان یکی از داغ ترین مسائلی بود که جار و جنجال زیاد در شورا برپا کرد و شورای ملی به تأسی از قیام مردمان پشتون و حق تعیین سرنوشت به آنها پالیسی حکومت را تأیید کرد و به اثر تقاضای پشتونهای ماورای سرحد حمایت خود را از آزادی خواهی آنها اعلام نمود و به همین مناسبت روزنهم سنبله را به نام روزپشتونستان به حیث یک روز رخصتی عمومی تصویب کرد. این شورا حتی فراتر از صلاحیت قانونی خود لغو معاهده دیورند را اعلام نمود. زیرادر هیچ یک از 37 ماده (از ماده 40 تا ماده 66) مربوط به وظایف و صلاحیت های شورای ملی مندرج قانون اساسی سال 1310 که تا سال 1343 نافذ بود، الغای معاهدات دولت های گذشته افغانستان با دول و ممالک خارج تذکار نیافته است.

10 - شورا در این دوره سرآغاز یک سلسله جریانات و تشکلات سیاسی بعدی گردید و بدون موجودیت قانون احزاب فعالیت های زیر نام احزاب "خلق"، "وطن"، "ویش زلمیان" و "دموکرات ملی" (مسمی به کلوپ ملی) براه افتاد که بحث درباره آنها در اینجا نمی گنجد. (برای شرح مزید در این باره و موضوعات دیگر مربوط به دوره صدارت شاه محمودخان مراجعه شود - کاظم، سیدعبدالله: "رویدادهای عمده در دوره صدارت شاه محمودخان غازی از 1325 تا 1332"، چاپ کالیفورنیا، 2020، صفحه 256 تا 293)

یادداشت: درباره ترکیب هیئت اداری، مصوبات، کمیونها، اسمای اعضای شورا، قوانین و اصول داخلی و مطالب مهم دیگر شورا (ولسی جرگه) به کتاب "آئینه شورا"، تألیف محمد محسن صابر هروی، جلد اول (از دوره اول تا نهم) و دوم (از دوره دهم تا سیزدهم)، چاپ ریاست اطلاعات و ارتباط عامه ولسی جرگه، 1386 مراجعه شود.

مختصر سوانح عبدالاحد خان مایار رئیس شورای ملی از 1310 تا 1324:

متولد سال 1259ش (1880م) پسر قاضی غلام محی الدین خان، اصلاً اسماعیل خیل غلجائی، و اما نسبت اقامت طولانی در وردک به "وردکی" شهرت داشت. او یکی از غلام بچه های خاص دربار امیر عبدالرحمن خان بود، در عصر امیرحبیب الله خان سراج الملة نخست به مقام "عرض بیگی" و بعد در خدمت سردار نصر الله خان معین السلطنه قرار گرفت و به همین ترتیب بعد از شهادت امیر در جلال آباد در خدمت امیر نصرالله خان به حیث یکی از خاصان دربار شش روزه او در آمد و وقتی پیام جوانیه امیرنصرالله خان را به کابل آورد، امیر امان الله خان او را زندانی ساخت. پس از مدتی مورد عفو قرار گرفت و دوباره به حیث مصاحب در دربار اعلیحضرت امان الله خان مقرر شد و در اخیر مدت کوتاهی به وزارت داخله منصوب گردید. او در وقت غائله سقاوی از برگشت شاه امان الله به سلطنت حمایت کرد و حینیکه شاه ترک وطن نمود، او نیز به معیت شاه به هند رفت و از آنجا به ایران آمد. در دسمبر 1929 به وطن برگشت و سال بعد به حیث رئیس شورای ملی گماشته شد که طی پنج دوره در آن مقام ایفای وظیفه نمود. موصوف در سال 1328 (1949) بعمر 69 سالگی در کابل وفات کرد.

قابل تذکر است که بعداً پسر موصوف پوهنوال داکتر محمدعمر وردک که به مقامهای عالی مختلف از ریاست گرفته تا ولایت و تا وزارت ایفای وظیفه کرده بود، به حیث وکیل از چک وردک انتخاب و در دوره سیزدهم شورا (از 1348 تا 1352) که یک دوره بسیار حساس و پرتنش و با کودتای 26 سرطان 1352 که پایان رژیم شاهی و سلطنت محمدظاهرشاه بود، به حیث رئیس شورای ملی انتخاب گردید. علاوه محمد اسمعیل خان مایار (برادرزاده عبدالاحد خان) نیز که یکی از معتمدان و همکاران نزدیک محمد هاشم خان صدراعظم بود، برای سالهای متمادی در مقام ها حساس و مهم از جمله والی کابل خدمت نمود.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ